

مینگش
پش پش
عقصر
سرکار



فصلنامه

فرهنگی، علمی، اجتماعی، علمی پژوهشی
سال پنجم تابستان - خزان ۱۳۸۳
قیمت ۴۰ افغانی



افغانستان دیروز، امروز و فردا
ظهور پدیده مهاجرت و تبعات آن
هنر یا خلق زیبایی
بابی در چیستی ادبیات مهاجرت
ادبیات کهن
استقلال افغانستان در آینه روز
مسعود و افغانستان
سیاست خارجی افغانستان در گذشته و حال
نگاهی به پیشینه روابط سیاسی تاریخی افغانستان و ...
آب سرچشمه حیات و ...
زبان دری و مهد آن افغانستان
اسطوره وطن
شعر، داستان
زن و جامعه



چالش های که پادشاه ترقی خواد افغان شاه امان الله غازی
یا آن دست و پنجه نرم می کرد
❖ کم تجربه گی و شباب زدگی در ترقی خواهی
و تجدد گرایی،
❖ عدم شناخت از افشار مختلف جامعه بومی افغانستان
و بافت های اجتماعی - اعتقادی آن
❖ قساد اداری در دستگاه دولتی،
❖ عقب ماندگی عمومی جامعه،
❖ نامتوازن بودن خود آگاهی دینی و خود آگاهی ملی که
علامه سید جمال از آن بنام قدرت دینی و قدرت ملی یاد
می کند و توازن آنرا موجب ایجاد نظام مقتدر در جوامع
اسلامی می داند. که همیشه در کشور ما خود آگاهی ملی
کم رنگ تر از خود آگاهی دینی تیارز کرده است.
❖ عدم سیاستگذاری شفاف و عقلانی و دور از هر گونه
احساسات و غرور ناشی از پیروزی و کسب استقلال سیاسی
در بعد سیاست خارجی،
❖ نبود پلان و برنامه ریزی مدت دار و علماً تنظیم شده به
هدف توسعه اقتصادی، رفاه عامه و آموزش و پرورش
عمومی که برای ثبات نهادینه شدن استقلال سیاسی از
بدیهیات انکار ناپذیر هر نظام استقلال یافته محسوب
می شود.

برگرفته از مقاله استقلال افغانستان در آینده روز

MAIHAN
Magazine

Cultural, Political, Search Scientific

Year 5, 2004. 34

Price: US: \$8, EU: \$5, Asia: \$4, Aus: \$8



شماره ۲۴

مؤسس و صاحب امتیاز: انجنیر توریالی غیالی
مدیر مسئول: انجنیر احمدنواز بختیار
سر دبیر: احمد شاه قرزان
مدیر اجرایی: ناصر قرزان
اجراء و تنظیم: حمید حسینی
دبیرزن و جامعه: شمیم عزیزی
صفحه آرایی و طراحی: عصمت الله احراری
حروفچینی: فضل احمد پنهان

زیر نظر هیأت تحریر

گروه ترجمه: استاد اشرفی، عبدالقیوم قندهاری،
محمد امین رستمپور، وحید حسینی.
همکار هنری: صمدی

مجله میهن از نظریات، پیشنهادات و آثار عزیزان
فرهیخته و خولتندگان عزیز هموطن استقبال
می‌کند، منتظر نظرات و آثار مکتوب و مستقیم
شما خوبان هستیم.

لطفاً مطالب ارسالی را خوانا و روی یک طرف
کاغذ بنویسید.

آراء و عقاید نویسندگان، لزوماً رأی
«میهن» نیست.

مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی‌شود.

آدرس: کابل، مکررستان سوم بلاک ۱۱۲
آپارتمان ۱۴.

صفدوق پستی: ۱۳۶۶، کابل وزارت مخابرات.

تلفن کابل: ۰۷۰۲۲۳۱۴۰ - ۰۷۰۲۱۰۳۲۱ -
۰۷۰۲۷۹۱۱۷ (۰۰۹۳)

صفدوق پستی: ۲۴۱۸-۹۱۳۷۵ - ایران مشهد.

موبایل: ۹۱۱۵۱۵۹۱۱۵ فاکس: ۸۵۴۴۴-۸۵۱۱-۵
(۰۰۹۸)

E-mail: maihan_m@yahoo.com

سخن آغازین: افغانستان دیروز، امروز و فردا ۲/

فرهنگ و اجتماع: مولانا و افکار او/ شمس العلماء مولانا شلی نعمانی/ ظهور پدیده
مهاجرت و تبعات آن/ توریالی غیالی/ ۱۴/ هنر یا خلق زیبا/ اسید هادی نوری/ ۱۹/ یک درد و
هزار درد/ ناصر قرزان/ ۲۳/ سیر تاریخی مختصر... محقق نیک سیر/ ۲۴/ پای در چیست ادبیات
مهاجرت... ناصر قرزان/ ۲۷/ ادبیات کهن/ ۳۰/ کلید های مرقیت/ منیر هاشمی/ ۳۴/ شرح
احوال و تصرف جامی/ محمد حسن قیض کفاش/ ۳۷/

سیاست: استقلال افغانستان در آینده روز توریالی غیالی/ ۳۹/ مسعود و
افغانستان/ لطیفی/ ۴۳/ فریاد مظلومان... ناصر قرزان/ ۴۴/ روابط تاریخی ایران و افغانستان/ محمد
مرادی نسب/ ۴۵/ سیاست خارجی افغانستان در گذشته و حال/ دانش بختاری/ ۴۷/ افغانستان و
سایه سیاه نفست/ دکتر کریم نیک منش/ ۵۰/ جای مردان سیاسی/ ۵۱/ سیاست
درخت... لطیفی/ ۵۷/ نگاهی به جنبش خلیفه عوامان/ ۵۹/ نگاهی به پشته روابط
سیاسی... لطیفی/ ۶۱/ ای خلکو ستاسو کلهم... ارغندویال/ ۶۴/ نظری به لزوم اتحاد و
همبستگی/ لیلاب رحیمی/ ۶۷/ آب مرچشمه حیات و... استاد نجیب/ ۷۷/ یکبار هم که
شده... لطیفی/ ۷۱/

فرهنگ و ادب: زبان دری و مهد آن افغانستان/ لویس/ ۷۳/ شعر پذیر شعر و ادب
پارسی... آتنا مودودی/ ۷۷/ دیروز امروز و فردای شعر افغانستان/ اوصاف یاشری/ ۷۸/ یادم نمی
رود برف می یارید گفتگو یا بر مک/ ۸۲/

در نستان ادب: شعر/ ۸۵

داستان: خدایان جنگل می میرند/ زاق مامون/ ۹۵/ جستجو/ احمد محمود/ ۹۹/ آگنه اینه
ستا/ خالد نویسا/ ۱۰۳/

اسطوره وطن: شیر دره پنجشیر/ ۱۱۰/ شیر در کام خود آرام گرفت/ میر مهرداد میر
سنجری/ ۱۱۱/ شکار شیر/ آیدین روشن/ ۱۱۳/ سرور احمد شاه مسعود... الهییم
دشی/ ۱۱۵/ هفتده روز با احمد شاه مسعود/ محمد علی عجمی/ ۱۱۸/ اگر مسعود نبود/ حسین
میرزایا/ ۱۲۱/ تاریخ نیم سیمایر... دکتر امجدی/ ۱۲۳/ نهرمان آریانا/ محمد علی بهمنی
ناجار/ ۱۲۴/ مردی که ستایش وی حد ندارد/ عبدالقاسم/ ۱۲۷/

زن و جامعه: زنان و حضور در فعالیت های... شمیم عزیزی/ ۱۳۷/ در اندیشه
مسعود مودودی/ ۱۴۰/ حضور زنان در انتخابات/ ۱۳۱/ نقش اساسی خانواده در جامعه/ زب
مودودی/ ۱۳۳/ برنده های اصلی المپیک آتن/ محمود قاضی/ ۱۳۷/
دانتها/ ۱۱۰/ آرزوی مطهره حبیبی/ ۱۴۳/

علمی پژوهشی: افغانستان در آستانه ارتباطات/ ۱۴۵/ زن مسلمان/ عبدالل
خاموش/ ۱۵۳/ احمد شاه مسعود/ دکتر هریداس باوند/ ۱۵۷/ برگ چینی مختصر از زندگانی
یک اسطوره... اکتمام/ ۱۶۵/ چگونگی پیوند مسعود با پنجشیر/ لیلاب رحیمی/ ۱۷۰/ محیط
زیست و کار در زندگی/ احمد امیر زاده/ ۱۷۵/

شکوفه ابریشم/ ۱۷۹

گفتگو: طالبان از خارج بر افغانستان محمل شدند/ گفتگو با یونس قانونی/ ۱۸۳/ عالم از
تاه عشاق میاغا خالی/ گفتگو با استاد محمد کریم هروی/ ۱۸۸/

پیک راستان: ۱۹۰



افغانستان دیروز، امروز و فردا

تفاوتی بیرون کشیده و ملتی بسازد که از همه ی لحاظ معاصر دنیای متعین باشد، او می خواست یک شبه راه صد ساله را طی کند، که می شود گفت به نحوی اشتباه امان الله خان را تکرار کرد.

داودخان با همه باریک بینی عایش از غول ابر قدرت شرق که آهنگ فتح جهان و برقراری دیکتاتوری پرورش را داشت و همچنین نگاهی خاص به افغانستان داشت تا آرزوها ناباورده تزار را با اشغال افغانستان غیبت بخشد، غافل بود.

او اقتدر که به سرکوبی نهضت ها اسلامی می پرداخت کمتر متوجه خطر اصلی بود. و اگر از طرفی به او نسبت به خطر شوروی هشدار داده می شد، با خونپردی می گفت که ما سیگار امریکایی خود را با گوگرد روسی روشن می کنیم و بی خبر از آنکه گوگرد روسی برعکس ظاهری آراسته اش بساز خطرناک و آتش برافروز بود.

به هر حال داودخان از رخنه عمیق مزدوران شوروی در بافت های مختلف نظامی، اداری امنیتی و... بی خبر مانده بود و حتی این دست گماردگان را گاه روشنفکران آگاه جامعه می پنداشت و آنها را می ستود، و متأسفانه زمانی از عمق فاجعه بیامون خود با خبر شد که دیگر دیر شده بود، و نتیجه این شد که کمونیست های وطنی با دستور از مسکو در ثور ۱۳۵۷ دست به کودتای خولین علیه داودخان زدند و چون آسا به کاخ او یورش بردند و خود و کوچکترین فرزندش را به شهادت رساندند و با این کشتار مقدمه فاجعه بزرگ و خولینی در کشور رقم خورد. در ابتدا نور محمد ترکی، با شور و حال انقلابی بر او یک قدرت نشست. چند ماهی نگذشته بود که او خفه شد و حفیظ الله امین قدرت را بدست گرفت و این مرد به ظاهر

ملت رنج دیده و مجروح افغانستان بعد از تحمل دو دهه و اندی جنگ و تجاوز و حاکمیت های مطلق دیکتاتوری، بعد از ماهیا انتظار در ۱۸ میزان سال روان خود را در برابر یک آزمون بزرگ و تجربه نکرده قرار داد، آزمونی که سالهای سالها مردم افغانستان رویا آن را در سر می پروراندند و این رویا را دست نیافتنی می پنداشتند، مگر نظارگر انتخابات در کشورهای دور و نزدیک بودند که مردم آن خود سرنوشت خود را تعیین می کردند و حاکمان این کشورها مطیع رأی مردم خود بودند و جز به رفاه و امنیت و عدالت اجتماعی در جامعه خود نمی اندیشیدند و این در حالی بود که در کشور ما جور و ستم داخلی و خارجی غوغا می کرد هر روز مردم ما شاهد تجاوز تازه ای بودند و مزدوران داخلی آن تجاوز هر آنچه بد بود به مردم روا می داشتند و مردم به ستوه آمده چاره ای به جز دفاع از داشته های مادی و معنوی خود نداشتند، هر چند این دفاع و سبیز و پراخی ها و تپاهی به همراه داشت، و عزیزترین جوانان وطن در خاک و خون می غنودند، ولی باز این سبیز نابرابر به نحوه های مختلف تکرار می شد.

بد نیست نظری گذرا بر حوادث تاریخ خونبار دو دهه ی اخیر وطن داشته باشیم تا باشد یاد تلخ کاهی های گذشته، شور و حال ملی و مردمی اخیر را شیرین تر کند.

قصه از اینجا آغاز شد که سردار داود فقید در سال ۱۹۷۳ میلادی علیه محمد ظاهرشاه کودتاه کرده و حکومت شاهی را به جمهوری تبدیل ساخت. داودخان مردی بود تجدد خواه و آرمان گرا، او بدین سبب به قشر روشنفکر و بالنده کشور، بخصوص جوانان پرشور، میدان داد تا وارد معرکه شوند و وطن را برق آسا متحول ساخته و مردم را از انفعال و خرافات و بی

خوش خنده جلادی به تمام معنا بود که با بی رحمی تمام هزاران انسان بی گناه را به قتل رساند و زندانیهای چون پل چرخ را شکنجه گاه خود قرا داد و قربانیان خود را از همین جا بعد از شکنجه زنده بگور کرد. مردم که از این وضعیت به ستوه آمده بودند دست به قیام و مبارزه زده و جنگ نابرابر نهی دستان و قدرت مندان آغاز گشت. بعد از کشتن امین توسط ک.د.ب. ببرک کارمل با سپاهیان ارتش سرخ وارد افغانستان شد و در ۶ جدی ۵۸، برگ خونین دیگری در کشور ورق خورد و جهاد مخلصانه ملت مسلمان افغانستان آغاز گشت و مردم با تمام وجود آماده ایثار و جانفشانی شدند. مردانی چون مسعود بزرگ علم مبارزه بلند کردند و بر علیه اشغالگران ایستادند.

جهاد ملت افغانستان ۹ سال ادامه پیدا کرد که در این ۹ سال ملت شهدای زیادی را تقدیم راه آزادی و حریت کردند و جهان را با عزم خود شگفت زده کردند، ارتش سرخ بعد از زور آزمای تمام شکست را پذیرفت و خار و ذلیل افغانستان را ترک گفت و این شکست مساوی بود با از هم پاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و افسار آن در اروپای شرقی غربی ها بعد از هم پاشی غول شرق، نفس راحتی کشیدند و با شکستن دیوار برلین اروپا یکپارچه شد، و این همه میسر نبود مگر از نتیجه مبارزات جانفشانانه ملت فقیر و تهیدست افغانستان.

بعد از ببرک نجیب روی کار آمد و با تزویر تمام طبل اسلام گرای و مردم سالاری را به صدا در آورد و به گفته شاعر:

«گریه گشته عابد و مسلمانا، این زمان پنج پنج می گیرد»

و قلم نباید، رژیم نجیب هم در سال ۱۳۷۱ سقوط کرد و مجاهدین به پیروزی رسیدند و مردم با قریاد الله اکبر این پیروزی را جشن گرفتند. ملت آزاده ما که از سالیان دراز بدینسو انتظار چنین روزی را می کشید، با قلبهای سرشار از عشق به وطن و امید به آینده پیروزی مجاهدین را جشن گرفته و با اهدای دسته های گل از ورود آنان به کابل استقبال کردند. ولی مدت زمانی نگذشته بود که این پیروزی شیرین به کام مردم تلخ شد. بلافاصله بعد از پیروزی مجاهدین جنگ های جناحی و حزبی شعله ور شد و در این معرکه همسایه ها هم آتشبار معرکه شدند و جنگهای سخت تحمیلی در وطن جان صدها انسان بی گناه را گرفت، از عوامل عمده ای که باعث این جنگ های درونزا شد می توان به این موارد اشاره کرد:

۱- با ورود فاتحانه مجاهدین با رهبری شهید احمدشاه مسعود نظامی ها و استخبارات پاکستان دیوانه وار دست بکار شدند تا راهی برای ناکامی این پیروزی نوپا پیدا کنند. در اولین جستجو حکمتیار را دم دست و مطیع یافتند و او را بلافاصله ترغیب کردند تا با تمام نیرو به پایتخت حمله ور شود، گلبدین هم بی درنگ وارد عمل شد و کابل مظلوم را به توپ و راکت بست، پاکستانی به گلبدین و قول های او دل بست و امیدوار شدند که بزودی جابجایی قدرت صورت خواهد گرفت و مهره

پاکستانی ها به مسند قدرت تکیه خواهد زد، که این خود یکی از عوامل عمده جنگ های تحمیلی به ظاهر داخلی بود.

۲- عامل عمده دیگری که باعث شد تا کشور مورد تاخت و تاز پاکستانی ها قرار گیرد، فروپاشی شوروی و به پایان رسیدن جنگ سرد و به وجود آمدن خلای استراتژیک در منطقه و در پی آن بی تفاوتی امریکا در قبال حوادث افغانستان و بفراموشی سپردن کشور از طرف غرب بود.

۳- فروپاشی اردوی ملی و از هم پاشیدن کلیه ساختارهای استراتژیک نظامی عامل دیگری بود و این در حالی بود که کشور از لحاظ ابزار و آلات نظامی کاملاً غنی بود که اگر نیروی کارآمد و متخصص وجود می داشت و از این ابزار آلات بر علیه اشغالگران استفاده می شد، بدون شک بدخواهان به شکست مواجه می شدند.

۴- بی کفایتی مطلق رهبران که در دوران جهاد ملت مظلوم افغانستان بدور از معرکه جنگ با پول های باد آورده به عیاشی و تن پروری پرداخته بودند و هیچ کار برای جهاد و آینده جهاد نکردند، در حالیکه این بزرگواران با امکاناتی که داشتند - که کم هم نبود - می توانستند نیروی های متخصص برای اداره کشور بعد از پیروزی تربیت کنند و همسو با جهاد استعدادهای را شناسایی و مورد تعلیم و تربیت قرار دهند تا بعد از پیروزی مجاهدین با آن خلای وحشتناک متخصص در اداره کشور مواجه نشوند از طرفی رهبران می توانستند قبل از پیروزی زیر یک چتر جمع شوند، خودخواهی ها و خود محوری ها را کنار گذاشته و یک دولت قوی و مقتدر در تبعید را ایجاد کنند و بلافاصله بعد از پیروزی این حکومت را به داخل کشور انتقال داده و از جنگ های قدرت طلبانه جلوگیری کنند.

به هر حال، چندگانگیها، نشت ها، و خودخواهی ها باعث شد که انقلاب بزرگ ملت افغانستان به ناکامی و یأس مبدل شود و پاکستانی ها با ایجاد طالبان بی پرده افغانستان را مورد تجاوز قرار دهد.

طالبان که عینیت و سمبل تمام بدی ها و بدکرداری ها بود به سرعت همه جا را از دست مجاهدین به جان هم افتاده گرفتند و وطن را سیاه پوش کردند و همه داشته های مادی و معنوی مردم را به تاراج بردند و یأس و ناامیدی را در کشور حاکم ساختند و با استبداد دینی و مذهبی شان ملت را نسبت به داشته های مقدس معنوی شان سرخورده ساختند.

با تداوم حاکمیت طالبان کشور به لانه تروریسم و دد منشی تبدیل شد. القاعده به رهبری بن لادن با فریب دادن طالبان افغانستان را مرکزیت اعمال تروریستی خود در جهان ساخت. در این میان که یأس نا امنیتی ملت را در خود پیچیده بود، مردی تنها، ولی با عزم اراده، در برابر تمامی این غلظت مغرب و سیلاب خانمان برانداز برای دفاع از وطن و پاسداری از استقلال کشور پامردانه ایستادگی کرد. احمدشاه مسعود که

چند درصد خاک وطن را در اختیار داشت با نیروهای وفادارش توانست جانانه در برابر طالبان و پاکستانی ها مقاومت کنند و طالبان شکست ناپذیر را به بن بست مواجه سازد.

ولی بن لادن مکار برای شکستن بن بست مقاومت شمال و پنجشیر چاره ای حیلۀ گرانه ای سنجید و با تربیت دو عرب در ۱۸ سبۀ مسعود بزرگ را به شهادت رساند به این امید که کار مقاومت در افغانستان تمام است و بعد از چند روز در ۱۱ سپتامبر بن لادن در یک عمل تروریستی بزرگ در آمریکا، برج های دو قلو را متحمل ساخت که با این کار خود خشم آمریکا را برانگیخت، و این زنگ خطر که جهان را لرزاند باعث آن شد تا افغانستان دوباره در معرقات توجیه جهان، بخصوص آمریکا، قرار گیرد. خشم نیروهای مقاومت شمال و با هجوم همه جانبه آمریکا باعث سقوط حکومت مزدور طالبان شد و پاکستان با پذیرش شکست در افغانستان خود را معطیع حرکت بین المللی برای حل مسئله افغانستان ساخت.

خلاصه اینکه بعد از سقوط طالبان، افغانها در یک عمل آگاهانه و مدیرانه با همیاری نماینده خاص دبیر کل سازمان ملل در «بن» آلمان گردهم آمدند و بعد از بحث و تبادل نظر و رایزنی های فراوان توانستند به یک ساختار حکومتی دست پیدا کنند و حکومت موقتی را شکل دهند و طرح های را برای آینده به تحریر در آورند، که بعد از دو دوره حکومت موقت انتخابات برگزار شود و با رأ مردم رییس جمهور منتخب بر مسند قدرت تکیه زند و با اجرای قانون اساسی به سوی دموکراسی و مردم سالاری به پیش رود.

و امروز انتخابات به سلامتی برگزار شد و مردم افغانستان در یک حرکت پر شور ملی بصورت زن و مرد در این آزمون بزرگ شرکت کردند و امید به آن بستند تا فرد منتخب شان بتواند خواسته های کاملاً معقول و مشروع شان را برآورده سازد. حداقل خواسته های ملت از دولت جدید این است که در نظام اداری دیگر بروکراسی غیر معقول و کاغذ بازی نباشد. اختلاس و رشوه خواری ریشه کن شود، اشتغال زایی صورت پذیرد، بازسازی کشور روند تندتری به خود بگیرد و...

از یاد نبریم که ما در طول دو دهه جنگ چیزهای زیادی را از دست داده ایم، بهترین جوانان ما در طول جنگ از بین رفتند، شخصیت برارنده و بزرگی چون احمدشاه مسعود شهید را از دست دادیم، بت های یامیان نابود شدند، جاده ها و میدانهای هوایی مان منهدم شدند، اردوی ملی از هم پاشید، ابزار نظامی که لازم ثبات نظامی یک کشور است نابود شدند، موزه ها و غنای فرهنگی ما به غارت رفت و...

بلی خوانندگان گرامی همه بیاد داریم که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، هر از چندگاهی از طریق مطبوعات و رسانه های اطلاعات جمعی کشورهای همسایه مطالبی منتشر می شود که وضعیت پیش آمده در افغانستان را صرفاً در چارچوب منافع ملی و سیاسی ایدئولوژیک خود تفسیر و تحلیل می کنند، افغانستان

را اشتغال شده و ملت افغانستان را مردمی فاقد اراده در برابر آن بحساب می آورند که گاهی احساسات مردم ما را نیز جریحه دار می سازد.

در حالیکه نیک می دانند که وضعیت سیاسی نظامی پیش آمده در افغانستان، در پی یک تحول بزرگ جهانی اتفاق افتاده که از پی آمدنهای بی قید و شرط ختم جنگ سرد می باشد که میان دو ابر قدرت جهانی یعنی اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا، از سال ۱۹۴۵ بدینسو آغاز یافته بود که در انجام به نفع ایالات متحده آمریکا و جهان غرب پایان یافت و جهان را از لحاظ قدرت نظامی و استراتژیک به جهانی یک قطبی مبدل ساخت، و افغانستان بدون تردید بنابر موقعیت جیوپولیتیک و جیوایکاتومیک خویش جزء کوچکی از این تحول استراتژیک جهان تک قطبی و بازی بزرگ جهانی بحساب می آید.

در جهان امروز این تنها دولت و ملت افغانستان نیست که در برابر شعارها و حرکت هایی مانند، امنیت جهانی، اقتصاد جهانی، تجارت جهانی نظم نوین جهانی و بلاخره دهکده جهانی، اراده خود را از دست داده است بلکه اکثر کشورهای دنیا حتی بازماندگان اتحاد شوروی سابق و پیمان نظامی استراتژیک ورشو نیز چندان اراده از خود در برابر آن تبارز نمی دهند که بازدارنده باشد. همگی علاقمند یک میدان گرم پهلوانی برون از کشورهای خود هستند شاید برای کشور و ملت ما که در دو دهه تجاوز خارجی، مداخلات و جنگ های تحمیل شده خارجی تمام هست و بود خود را به باد فنا داده اند، شرایطی که امروز در افغانستان رونما گردیده و آنان شاهد بازسازی و عمران کشور خود توسط جامعه بین المللی و کشورهای همسایه هستند عین منافع ملی شان باشد.

بهر حال اگر امروز ما شاهد حضور همه جانبه و بی شائبه کشورهای دنیا در افغانستان هستیم که در گام نخست بدون شک به علت فداکاری ها و مبارزات خستگی ناپذیر مردم ما در امر اضمحلال کمونیسم جهانی و تروریسم بین المللی می باشد که جامعه بین المللی خود را مدیون مردم افغانستان میدانند. آیدانی و پیشرفت و توسعه اقتصادی، نهادینه شدن دموکراسی و جامعه مدنی را در کشورهای خویش مرهون ایستادگی و پایداری مردم فقیر و بی سواد کشور ما تلقی می کنند. چونکه آنان از شاخصه های توسعه در اروپای شرقی که جز قلمروهای اتحاد شوروی سابق بود یوضوح اطلاع دارند و امروز در راستای همگون ساختن سیستم اقتصادی، سطح رشد و میزان آگاهی عمومی در اروپا دچار مشکلات زیادی هستند.

بهر حال امیدوار و مصمم هستیم که از مزایای فضای بوجود آمده که مولود یک تحول بزرگ و استراتژیک در ساختار قدرت جهانی می باشد استفاده مطلوب و بهینه داشته باشیم و در فرآیند آن ملتی هر چه دانائر و تواناتر و کشوری آباد، پیشرفته، مستقل، با اراده و مملو از رفاه و آسایش داشته باشیم. (اداره مجله)